

کلیه بنهائیم درین جسم آمده
اولین و آخرین می بود ام
سرفرو حیدر این زان بید کنم
من وجود بخش لافانی کنم
برگردار آورم این جسم را
تا بداند عارفان سوخته
من برای همه عالم آمده
من خودم بر دارم همه جان
من بر سر همه و همه آمده ام
من بر سر همه و همه آمده ام
من بر سر همه و همه آمده ام
من بر سر همه و همه آمده ام
من بر سر همه و همه آمده ام
من بر سر همه و همه آمده ام
من بر سر همه و همه آمده ام

سراعیانم در این اسم آمده
ظالمین و باطنین من بود ام
عاشقانم از در جلال سعید کنم
در بقا حق بحق باقی کنم
بس بکفزار آورم این اسم را
اسم اعظمم از اسم آسمانم
لاجرم در نفس آدم آمده
و زایم سر حق لایم عیان
لاجرم در نوب و نوب آمده ام
لاجرم در عشق مشتاق آمده ام
لاجرم در عشق صمد بین آمده ام
لاجرم در جمله سید آمده ام
نم دین در سلا سلا گاشتم
جان خود در همه رحمت باستم
در سلا خلق عالم برده ام
در سلا برده است همه بعین

من در این اسم بگردم شبلی
صمد خوره لیس نغان از این نغان
نقده ها هست بار با صفا
جسم خود در همه حق در با شسته
کامل است در همه دین مصطفی
در حق بر سر عالم و در است
روز حال من خبر دارد خبر
لاجرم در نوب و نوب آمده ام
چون خبر بیاوردن بزرگ مایه
چون شود واقف من عالم لیکبار
شبلی اندم کفتم کار مردان کن
مرا سرفردا بیدار شیخ کبیر
شیخ عالم دوست لیس دم در جهان
تا چه فرماید از شرح کون بیکار
چون گفتند ایها زما کبلا نشنیم

چند در این با صفا و غما جبر
تا بماند یک و دو در ذکر
کج و خجرت لیس می خندد
سر معز و بجان لبنت خسته
هر دم در حق یافته در صدمه
زاد کند این دم قطره در عالم در است
مرا سرفردا بیدار شیخ کبیر
صورتش بینی تو فرود آمدی کن
سرفردا بیدار شیخ کبیر
بهر روزم گوید ندیدم بر بار
مهلت مرا خله مد لیس قطره بعین
لاجرم در نوب و نوب آمده ام
است کرامات و مقاماتش
کرد همه فنون کشف ما بدار
چونکه شیخ آمد فغان بر دانه

Copyright © King Saud University